

## حس تعلق به محیط زندگی و بهزیستی زنان

علی برکاتی\*، سمیه فرهادی\*\*

### چکیده

کلان‌شهر تهران، به‌رغم پیشگامی در مطالعات و اجرای برنامه‌های متعدد در زمینه‌های شهرسازی، اجتماعی و فرهنگی، با مشکلات درهم‌تنیده بسیاری در برخی نواحی و بافت‌های شهری به‌خصوص بافت اجتماعی روبه‌روست. برنامه‌ریزان و مدیران شهری در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۶، برای حل مشکلات و حرکت به‌سوی زندگی اجتماعی مطلوب، برنامه‌های بازآفرینی شهری را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در این برنامه‌ها، یکی از مسائلی که به آن کمتر توجه شده مسئله حس تعلق به بافت اجتماعی و کالبدی محله و آثار آن بر کیفیت زندگی است. این ویژگی اجتماعی به‌عنوان تجمع‌سازِ علاقه به محیط و تأثیرگذار بر ارتقای کیفیت زندگی محسوب می‌شود. هدف این مطالعه، بررسی عوامل مؤثر بر کاهش حس تعلق به محیط و کیفیت زندگی زنان در محله هرنندی است. محله هرنندی (دروازه‌غار)، واقع در منطقه ۱۲ شهر تهران، یکی از محلاتی است که با مجموعه‌ای از مسائل در ابعاد مختلف، به‌خصوص غفلت از بُعد تعلق محیطی، به‌عنوان محرک توسعه اجتماعی مواجه است.

پژوهش به‌صورت کمی و کیفی انجام شده است. نخست معیارهای حس تعلق به محیط زندگی در بین زنان و مردان و الگوی کیفیت محیط زندگی طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۵ در محله هرنندی توصیف و استخراج شد. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده، مهم‌ترین عوامل کاهنده حس تعلق در بین زنان در محله هرنندی، ورود ناهنجاران اجتماعی، اقتصاد غیرقانونی در طیف‌های مختلف و کم‌توجهی سازمان‌های متولی به بهبود خدمات در این محله بوده است. پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان و مدیران شهری نقش زنان در برنامه‌ها و اقدامات عملیاتی را در محلات مورد توجه ویژه قرار دهند و ارتقای کیفیت زندگی محله، امنیت محله، دسترسی به خدمات بر اساس سبک زندگی زنان و مردان در محله، نیازسنجی و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی به‌صورت مستمر در دستور کار قرار گیرد.

### کلیدواژه‌ها

حس تعلق به محیط، بهزیستی زندگی زنان، محله هرنندی، منطقه ۱۲ شهر تهران

## مقدمه

طی تحولات صورت گرفته در محیط اجتماعی و کالبدی، بر مسائل و مشکلات شهرها در ابعاد گسترده و متفاوت افزوده شده است؛ تحولاتی که به دلایل مختلف در برخی موارد مغایر با روحیات اجتماعی انسان بوده و با اثرگذاری بر رفتار و سبک زندگی ساکنان، ساختارهای شهری را نیز تغییر داده است. در این گذار، معنای توسعه شهری نیز دچار سردرگمی شده است؛ توسعه‌ای که مبنای آن بهبود کیفیت زندگی توأم با رضایت بوده است. اما برنامه‌ها و شیوه‌های اجرایی بسترهای اجتماعی جامعه را به سمت و سوی‌های نامرتب با اصل توسعه سوق داده‌اند. بنیان اجتماعی شهرها و سرمایه‌های آن، یعنی خانواده، دچار نابه‌سامانی‌هایی شده و روز به روز از هم‌گسیختگی‌های نگران‌کننده‌ای در بستر اجتماعی شهرها ایجاد شده است. برخی کاستی‌های برنامه‌های اجرا شده به دلیل نگاه ساده‌انگارانه به مباحث اجتماعی و نقش زنان در بهبود کیفیت زندگی و محیط شهری است. مثلاً به‌رغم گفت‌وگوهای بسیار در مورد نقش‌پذیری و حقوق زنان در بسترهای اجتماعی جامعه و توجه به ساختار اندیشه‌ای آنان، برنامه‌های اجرایی اغلب بدون دخالت دادن رأی و اندیشه‌های فکری زنان شکل گرفته است و ادامه دارد.

بررسی‌ها نشان داده است که توسعه زیستی اجتماعات محلی، به‌رغم تمام مسائل و مشکلات، در صورت عدم همراهی برخی مؤلفه‌های روحی و روانی همچون حس تعلق به محیط، اثرات منفی دارد و ناخواسته برخی بی‌برنامگی‌های مسائل شهری را مضاعف می‌کند و تأثیرات نامطلوب نظیر از هم‌گسیختگی هویت اجتماعات در شهرها و محلات آن را بیشتر خواهد کرد. شهر تهران و محلات آن طی سال‌های اخیر (۱۳۸۶-۱۳۹۶) تحولات اندیشه‌ای و عملیاتی با ضعف و قوت‌های بسیاری به‌لحاظ کالبدی و اجتماعی و... را تجربه کرده است. این تحولات ناشی از اقدامات دستگاه‌های بسیاری برای بهبود وضعیت مناطق و محلات تهران بوده است. برخی از فعالیت‌ها همگرا و برخی موازی یا متناقض یکدیگرند. دستگاه‌های متولی و مردم در برخی برنامه‌ها

فرصت‌های امیدبخشی به محیط زندگی را با ناآگاهی و عدم اتخاذ رویکردهای صحیح و اقدامات مشارکتی واقعی از دست داده‌اند. در این میان، برخی محلات همچون محله هرندی در وضعیت نابه‌سامان‌تری قرار دارند. این محله با توجه به ساختار، موقعیت، بافت اجتماعی و کالبدی، شرایط ویژه‌ای را طی دهه‌های اخیر تجربه کرده است. بافت اجتماعی و کالبدی این محله دچار معضلات و حساسیت اجتماعی ویژه‌ای شده است. دقت در مداخله در این محله ضرورت تام دارد. یکی از ابعاد مغفول مانده، بُعد تعلق به محیط زندگی است. این بُعد از ویژگی‌های اجتماعی محلات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان بهبود کیفیت زندگی مطرح است. مسئله اصلی تحقیق حاضر شناخت عوامل اصلی کاهنده حس تعلق به محیط در میان زنان و مردان ساکن در محله هرندی است. اهداف تحقیق، شناخت معیارهای حس تعلق به محیط و سنخش آن در بافت اجتماعی و کالبدی این محله است که به دنبال آن عوامل ارتقادهنده کیفیت محیط زندگی به‌منظور به‌زیستی زنان شناسایی می‌شود.

## ۱- ادبیات و مبانی مفهومی

محیط، خواه خانه یا فضای محلی و شهری، علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها و معانی و رمزهایی است که مردم آن را بر اساس نقش‌ها، انگیزه‌ها و دیگر عوامل رمزگشایی و درک می‌کنند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید «حس مکان» نامیده می‌شود که به‌عنوان عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت بهره‌برداران و در نهایت احساس تعلق آنها به محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱). هنگامی که برخی بافت‌های اجتماعی و کالبدی شهرها به‌صورت قابل قبولی پیشرفت نمی‌کنند، لازم است برای تغییر آنها اقدام شود. بسیاری از عرصه‌های شهری در نبود مداخله چرخه پایدار، افت و زوال را در بسیاری از جنبه‌ها تجربه می‌کنند. در صورت چاره‌اندیشی نکردن در این‌گونه بافت‌ها، با سناریوهای زوال و افت کالبدی و اجتماعی مواجه خواهیم بود. مهم‌ترین عوامل کلان

مؤثر بر شکل‌گیری افت در برخی از عرصه‌های شهری عبارت‌اند از:

■ **رشد نستانبان جمعیت شهری:** عقب‌ماندگی رشد اقتصاد ملی و عدالت توزیعی نسبت به روند رشد سریع جمعیت، بالا رفتن نرخ بیکاری در شهرها، فقر نسبی سه دهک اول درآمدی و در نتیجه کاهش سطح کیفیت زندگی

■ **ناکارآمدی برخی از سیاست‌ها و برنامه‌های مجریان:** ناکارآمدی برخی برنامه‌های توسعه در کشور در پاسخ به تقاضای قشر کم‌درآمد و فقیر برای سکونت و بهبود کیفیت زندگی در شهرها و محلات آن

■ **کم‌توجهی دستگاه‌ها و مدیریت شهری و بخشی‌نگری آنها:** چاره‌اندیشی نکردن به‌موقع برای برون‌رفت از دور باطل فقر اجتماعی-اقتصادی و فرسودگی کالبدی و بهبود کیفیت زندگی

بالاترین هدف توسعه و مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی و خوشبختی شهروندان است؛ حال آنکه کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است و جنبه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. به طور کلی، کیفیت زندگی شامل مسائل مادی و غیرمادی است. از بُعد مادی، کیفیت زندگی نه تنها مقوله‌هایی چون استانداردهای زندگی، امکانات زیربنایی، تولید اقتصادی، اشتغال، قیمت‌ها، قانون و مانند اینها را در بر می‌گیرد، بلکه مواردی چون سلامتی، سرگرمی، فرهنگ و هنر نیز در همین مقوله می‌گنجد. در بُعد غیرمادی، کیفیت زندگی شامل تجارب و دریافتهای شخصی افراد و بازخوردهای آنها در زندگی واقعی‌شان است (Dajian&Peter, 2006: 15).

## ۱-۱- حس تعلق به محیط زندگی

حس تعلق تجربه حضور و مشارکت انسان در محیط (اعم از محیط فرهنگی، کالبدی یا طبیعی) است، به نحوی که انسان احساس کند بخشی یکپارچه و جدایی‌ناپذیر از محیط شده است. حس تعلق را با شناسایی و پذیرش یک فرد از سوی سایر اعضای یک گروه اجتماعی مرتبط دانسته‌اند (Anant, 1969). برلین و جانسون آن را تلاشی گسترده، به‌منظور ایجاد و حفظ ارتباط با دیگران، نهادهای اجتماعی، محیط و خود تعریف کرده‌اند (Berlin and Janson, 1989). بنابراین، احساس تعلق، حسی درونی و ذهنی است که از احساس «بخشی تأثیرگذار از یک چارچوب اجتماعی بودن» به وجود می‌آید. بر این اساس، هر چه نیازهای انسانی بیشتر در یک گروه یا چارچوب اجتماعی برآورده می‌شود، انسان تعلق بیشتری نسبت به آن گروه یا چارچوب یا سازمان اجتماعی احساس می‌کند (Anant, 1966). در واقع، حس تعلق و دلبستگی به مکان، ارتباط فیزیکی و عاطفی احساسی بین فرد و مکان است (Bradley, 2012).

برخی تحقیقات صورت‌گرفته در داخل و خارج از کشور در مورد مباحث حس تعلق و شاخص‌های آن در جدول ۱ خلاصه شده است:

طی بررسی‌های انجام‌شده درباره تعلق به محیط زندگی، میزان تعلق به زادگاه و محل زندگی در دوران ابتدایی زندگی در زنان به‌مراتب بیشتر از مردان بوده است. همان‌طور که اندیشمندان علوم اجتماعی و روان‌شناسی تأکید دارند، حس مکان در بافت‌هایی یافت می‌شود که دارای هویت هستند. بخشی از وزن هویتی از محل تولد، مدت اقامت و همگرایی‌های بین افراد با اقوام و

جدول ۱. دیدگاه‌های برخی پژوهشگران در مورد حس تعلق

دیدگاه	پژوهشگر
حس مکان را تجربه‌ای چون هیجان و انبساط خاطر در یک قرارگاه رفتاری خاص می‌داند و معتقد است که این روح مکان یا شخصیت فضا است که این احساسات خاص را برمی‌انگیزاند.	استیل (۱۹۸۱)
معتقد است که حس مکان وجه تمایز موفقیت مناطق است و باعث احساس زندگی، شادی و نشاط در محیط مکان می‌شود.	مونگمری (۱۹۹۸)
به بررسی مفهوم حس مکان در دیدگاه پدیدارشناسی محیطی و روان‌شناسی محیط، سطوح مختلف و عوامل شکل‌دهنده آن پرداخته است. در نهایت، حس مکان را حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی محیط دانسته است.	محمدصادق فلاح (۱۳۸۵)

## جدول ۲. برخی شاخص‌های کیفیت زندگی از دیدگاه پژوهشگران

شاخص‌های کیفیت محیط	پژوهشگران
لحاظ کردن فعالیت‌های مناسب با توجه داشتن به نظم بصری محیط، استفاده از کاربری‌های مختلط به لحاظ ساختار و سن ابنیه، توجه به عنصر خیابان، نفوذپذیری بافت و اختلاط اجتماعی و انطباق‌پذیری فضاها	جیکوبز (۱۹۶۱)
بالا بودن سطح بهداشت بر اساس شاخص‌های قابل قبول بهداشتی و قابلیت دسترسی برای کلیه ساکنان، بالا بودن کیفیت کالبدی محیط، مسکن، وجود محلات فعال و معنی‌دار، توانایی رفع نیازهای اولیه هر شهروند، وجود روابط اجتماعی در حد معقول، وجود اقتصاد متنوع و خودکفا، تنوع فعالیت‌های فرهنگی، الگوی متناسب شهرسازی	دوئل (۱۹۸۴)
سازگاری بصری، تنوع، نفوذپذیری، خوانایی، انعطاف‌پذیری، قابلیت شخصی‌سازی	بتلی و همکاران (۱۹۸۵)

منبع: خادمی جوکار و همکاران، (۱۳۹۲)

نسبی هستند. کمپ و همکارانش معتقدند که تاکنون چارچوب جامعی برای مطالعه کیفیت زندگی به صورت یکپارچه و کل‌گرایانه و متکی بر شاخص‌های فیزیکی، مکانی و اجتماعی ارائه نشده است. از طرف دیگر، کیفیت زندگی اغلب با استفاده از شاخص‌های عینی یا ذهنی و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود (Van kamp et al, 2003: 7).

کیفیت زندگی دارای تعریف جامعی نیست. این مفهوم چندبعدی است و حوزه‌های مختلفی دارد که باعث شده است پژوهشگران برای مشخص کردن ابعاد آن دچار مشکل شوند. به همین دلیل، واژه‌های مرتبط دیگری مانند بهزیستی، سطح زندگی، استاندارد زندگی، رضایت‌مندی از زندگی و خشنودی در بعضی مواقع به جای آن استفاده می‌شود. اختلافات مهمی بین متخصصان کیفیت زندگی بر سر ابعاد مفهوم کیفیت زندگی وجود دارد. این متخصصان اساساً به سه گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول کسانی هستند که فقط به بُعد ذهنی کیفیت زندگی توجه دارند. اینها در کارهای خود یا بُعد عینی کیفیت زندگی را لحاظ نمی‌کنند و یا آن را از لحاظ اهمیت در سطح بسیار پایینی قرار می‌دهند، مانند کامتز<sup>۴</sup>. گروه دوم کسانی هستند، مانند مازلو<sup>۵</sup> و مک کال<sup>۶</sup> که کیفیت زندگی را از بُعد عینی بررسی کرده‌اند و معتقدند با لحاظ کردن جنبه‌های عینی کیفیت زندگی بهتر می‌توان به تحلیل این مفهوم پرداخت. این دو طرفدار

آشنایان تشکیل می‌شود که در صورت استمرار روابط اجتماعی، سرمایه‌های محلی را شکل می‌دهد. آغازگر بارگذاری‌های سرمایه محلی در نتیجه ارتباطات همسایگی زنان هستند که این ارتباطات در واقع بنیان تارهای توسعه اجتماعات پایدار محلی محسوب می‌شوند.

### ۱-۲- کیفیت زندگی و مفاهیم مرتبط

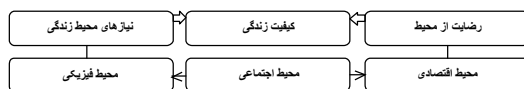
موضوع کیفیت زندگی در سال‌های اخیر توجه‌ها را به خود جلب کرده و به‌طور فزاینده‌ای به موضوع تحقیقات علمی و تئوری در زمینه‌ها و نظام‌های مختلف تبدیل شده است. مطالعه این مفهوم بر پایه این فرضیه بنیادین است که محیط اجتماعی و فیزیکی می‌تواند بر خوشبختی و رفاه مردم ساکن در یک محل تأثیرگذار باشد. کیفیت زندگی<sup>۱</sup> مفهوم جدیدی نیست و سابقه‌ای بس طولانی دارد. انسان از بدو پیدایش به دنبال دست‌یابی به رفاه و آسایش بوده است. ارسطو در بحث شادکامی به موضوع کیفیت زندگی پرداخته است. در دوران جدید نیز فیلسوفانی چون کیرکگارد<sup>۲</sup>، ژان پل سارتر<sup>۳</sup> و دیگران به آن توجه داشته‌اند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۱). کیفیت محیط ناشی از کیفیت عناصر تشکیل‌دهنده یک منطقه است، اما چیزی بیشتر از مجموع عناصر آن است. کیفیت محیط، ادراک مکان به‌طور تمام و کمال است. عناصر تشکیل‌دهنده (طبیعت، فضای باز، زیرساخت‌ها، محیط ساخته‌شده، امکانات و منابع محیط طبیعی) هر کدام دارای ویژگی‌های خاص خود و کیفیت

4- Camtez  
5- Mazelo  
6- Mac cal

1- quality of life  
2- Kierkegaard  
3- Jean-Paul Sartre

(Wish, 1986: 99). کیفیت زندگی جدا از محیط نیست. این موضوع به فرد مربوط است، ولی محیط و اجتماع بر آن تأثیر بسزایی دارد. دیسارت و دلر<sup>۳</sup> در مورد شاخص‌های عینی و ذهنی معتقدند که کیفیت زندگی فرد وابسته به وقایع خارجی (عینی) زندگی و درکی است که از این وقایع دارد (خائف، ۱۳۹۰: ۳۴). افراد زیادی مدل‌های مختلفی را از کیفیت زندگی ارائه داده‌اند. داس مدلی مفهومی را که نشان‌دهنده ارتباط بین محیط و کیفیت زندگی است، ارائه کرده. این مدل یک روش پایین به بالا با استفاده از شاخص‌های عینی و ذهنی است.

### نمودار ۱. مدل کیفیت زندگی داس



منبع: Das, 2008

در پروژه ارتقای کیفیت زندگی در بافت‌های فرسوده شهری<sup>۴</sup> که لودا<sup>۵</sup> آن را در اتحادیه اروپا اجرا کرده کیفیت زندگی با شش بُعد ظرفیت‌های اجتماعی/حکومت، تصویر ذهنی، توسعه انسانی/اجتماعی، ساختار شهری، توسعه اقتصادی، و کیفیت زیست‌محیطی تعریف شده است. این ابعاد می‌توانند برای مقایسه، تجزیه و تحلیل، شناسایی مشکلات و سنجش بافت‌های تاریخی به کار روند (شاهوی و فاروقی، ۱۳۹۳: ۷۲). به‌طور خلاصه، نظر اندیش‌مندان را در مورد جنبه عینی و ذهنی کیفیت زندگی به‌صورت جدول ۳ می‌توان خلاصه کرد. بدین ترتیب، کیفیت زندگی دو جزء دارد: یکی عینی که

### جدول ۳. ابعاد کیفیت زندگی

دیدگاه	سال تحقیق	محقق
بیشتر به بعد عینی توجه کرده‌اند	۲۰۰۹	مازلو و مک‌کال
معتقد است که کیفیت زندگی دو جزء سازنده دارد: یکی محیط فعالیت یا زیستی و دیگری محیط روان‌شناسانه	۱۹۸۹	ویش
عینی و ذهنی	۲۰۰۸	داس
معتقدند که کیفیت زندگی فرد وابسته به وقایع خارجی (عینی) زندگی و درکی است که از این وقایع دارد	۲۰۰۲	دیسارت و دلر
رفاه فردی، روابط اجتماعی، محیط شهری، سلامت شهری، اقتصاد شهری	۲۰۰۶	هاردی
ظرفیت‌های اجتماعی/حکومت، تصویر ذهنی، توسعه انسانی/اجتماعی، ساختار شهری، توسعه اقتصادی و کیفیت زیست‌محیطی	۲۰۰۷	لودا
توجه به دو بُعد عینی/شهردی و ذهنی/ادراکی	۲۰۰۸	لی
بُعد عینی و ذهنی	۱۳۹۱	غفاری و همکاران

3- Dissart and Deller  
4- urban distressed areas  
5- Luda

1- Lee  
2- Wish

استفاده از شاخص‌های عینی منطبق با هر فرهنگ برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی هستند که برخلاف گروه اول کیفیت زندگی را از لحاظ عینی بررسی می‌کنند. اما گروه سوم که به نظر روزبه‌روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود کسانی هستند که دید جامع‌تری نسبت به این مفهوم دارند و معتقدند کیفیت زندگی را باید از دو بُعد عینی و ذهنی بررسی کرد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

کیفیت زندگی مفهومی کلی و پیچیده است که هم می‌تواند فردی و نیز اجتماعی باشد، هم می‌تواند کمی و قابل اندازه‌گیری و نیز کیفی باشد. لی<sup>۱</sup> ابعاد کیفیت زندگی را به دو دسته عینی و ذهنی تقسیم کرده است. ابعاد عینی مشهود و برگرفته از داده‌های ثانویه‌اند. ابعاد ذهنی ادراکی هستند و احساس افراد ساکن از محیط زندگی و جنبه‌های مرتبط با محیط‌اند (Lee, 2008: 1206). ابعاد عینی کمی و قابل اندازه‌گیری‌اند، ولی ابعاد ذهنی کیفی و توصیفی هستند. در ابعاد ذهنی هر فرد ادراک خاص خود را از کیفیت زندگی دارد و معمولاً با استفاده از پرسش‌نامه به‌صورت کیفی برای افراد سنجیده می‌شود.

ویش<sup>۲</sup> برای ابعاد کیفیت زندگی دو جزء قائل است. ویش عقیده دارد که کیفیت زندگی دو جزء سازنده دارد؛ یکی محیط فعالیت یا زیستی و دیگری محیط روان‌شناسانه. هم محیط زیستی و هم محیط روان‌شناسانه شامل وضعیت یا شرایطی هستند که به‌وسیله ساکنان یک ناحیه درک و دریافت می‌شوند و به درجاتی از رفاه ترجمه می‌شود

کمی است و شامل اطلاعات جمعیت‌شناسی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی است (که شاخص‌های آن بر پایه متغیرهای گوناگونی از سوی مؤسسات، سازمان‌ها یا شهرداری جمع‌آوری و تحلیل می‌شود) و دیگری که ذهنی است و درک افراد از موقعیت خود و رضایت شهروندان از رفاه شهری را نشان می‌دهد و بیشتر روی رضایت‌مندی کلی از زندگی و شادکامی متمرکز است. شاخص‌های عینی مشهودند و شاخص‌های ذهنی، فردی و کیفی هستند. فرد ممکن است از لحاظ شاخص عینی در رفاه باشد، ولی در شاخص ذهنی دچار مشکل باشد. این دو بُعد، در عین به هم ربط داشتن، جدا از هم نیز کار می‌کنند. در ابتدا پژوهشگران کیفیت زندگی را با ابعاد عینی می‌سنجیدند، اما به‌مرور متوجه شدند که این امر نتایج مطلوبی نمی‌دهد. بعد سراغ ابعاد ذهنی رفتند و این بار با شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی را سنجیدند که این نیز ناقص بود. در حال حاضر کیفیت زندگی هم در بُعد عینی و هم ذهنی سنجیده می‌شود. در این پژوهش نیز هر دو بُعد مدنظر قرار گرفته است.

### ۱-۲-۱- سنجش کیفیت زندگی

در چند دهه گذشته برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در مناطق مختلف دنیا تلاش‌های زیادی صورت گرفته است. پژوهشگران، نهادهای دولتی و رسانه‌های گروهی برای سنجش کیفیت زندگی شاخص‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند. طراحی و تدوین شاخص‌های کیفیت زندگی یکی از راه‌های عملیاتی کردن مفهوم کیفیت زندگی است. نخستین اقدامات پیشگامانه در ارائه شاخص‌های کیفیت زندگی را مسئولان شهرداری جکسون‌ویل<sup>۱</sup> و فلوریدا<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۶ انجام دادند (سجادی، و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۶۹). برای بیان شاخص‌های کیفیت زندگی ابتدا باید ویژگی‌های شاخص‌ها را مشخص کرد. ملکینا در سال ۲۰۰۷ ویژگی‌های شاخص‌های کیفیت را این چنین بیان کرده است (Malkina, 2007: 228):

- به سیاست‌گذاری عمومی برای توسعه و ارزیابی برنامه‌ها در همه سطوح کمک کنند
- امکان نظارت و کنترل در دوره‌های زمانی مختلف

1- Jackson Ville  
2- Florida

را داشته باشند  
- دارای پایایی، اعتبار و حساسیت باشند  
- بر مبنای نظریه‌های مناسب تهیه و تدوین شده باشند  
- قابل درک باشند و به ساده‌سازی اطلاعات پیچیده کمک کنند  
- در جامعه در حال تغییر، انعطاف‌پذیری داشته باشند  
بنابراین، با توجه به دیدگاه فوق، ملاک‌گزینش شاخص‌ها داشتن ویژگی‌هایی همچون عینیت، پایایی و اعتبار، قابلیت سنجش، حساس بودن به زمان، سادگی و قابل دسترس بودن اطلاعات است و هر شاخص باید این ویژگی‌ها را داشته باشد. در ادامه پژوهش به معرفی برخی از شاخص‌ها و زیرگروه‌های آنها از دیدگاه اشخاص و سازمان‌ها پرداخته می‌شود. شالاک و وردوگ<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۲، پس از مطالعه دقیق ۹۷۴۹ چکیده و ۲۴۵۵ مقاله مرتبط با کیفیت زندگی، ۲۳ شاخص را برای سنجش کیفیت زندگی پیشنهاد کرده‌اند: خرسندی، خودپنداری، نداشتن فشار روحی، تعاملات، روابط، حمایت‌های مادی، وضع مالی، شغل، مسکن، تحصیلات، صلاحیت فردی، کارآیی، سلامت، فعالیت‌های روزانه، فراغت، کنترل فردی، ارزش‌ها و اهداف فردی، انتخاب‌ها، مشارکت، نقش‌ها، حمایت‌های اجتماعی، حقوق انسانی، و حقوق مشروع (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۸). این شاخص‌ها به دلیل تأکید زیاد بر جنبه‌های ذهنی کیفیت زندگی کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در سال ۱۹۹۸، در ترکیه، تحقیقی با عنوان نگرشی چندبعدی به کیفیت زندگی در دانشگاه فنی استانبول انجام شد که در آن تحقیق، شاخص‌های کیفیت زندگی به چهار گروه اصلی و زیرگروه‌هایی تقسیم شد و مورد بررسی قرار گرفتند. شاخص‌های استانبول به این صورت بودند:

- محیط فیزیکی: شامل چیدمان ساختمان‌ها، نوع مسکن، فضای سبز، فضای تفریحی و خدمات شهرداری و زیرساخت‌ها
- محیط اجتماعی: شامل گستره خدمات آموزشی، قیمت خدمات آموزشی، گستره خدمات بهداشتی، قیمت خدمات بهداشتی، فعالیت‌های فرهنگی یا

3- Schalock and Verduge

## تفریحی و امنیت

- محیط اقتصادی: شامل هزینه زندگی، فرصت پیدا کردن شغل رضایت بخش و هزینه تطبیق ارتباطات و حمل و نقل: شامل وسایل حمل و نقل و ارتباطات، حمل و نقل عمومی و جریان ترافیک (پارسا، ۱۳۹۳: ۲۲).

واحد اطلاعات اکونومیست<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۵ برای محاسبه شاخص های کیفیت زندگی در کشورهای مختلف مطالعاتی انجام داده است. این پژوهش، با در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و بهداشتی، شاخص های نه گانه ای را در نظر گرفته است. این شاخص ها عبارتند از: رفاه مادی، بهداشت، امنیت، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی، آب و هوا و جغرافیا، امنیت شغلی، آزادی سیاسی و برابری جنسیتی (حاتمی، ۱۳۹۳، ۳۸). این شاخص ها وضعیت جامعه را به صورت کلان در ابعاد مختلف بررسی می کنند.

سراج الدین (۲۰۱۲) کیفیت زندگی را با ۷ شاخص اصلی شامل محیطی، فیزیکی، تحرکی، اجتماعی، روان شناسانه، اقتصادی، و سیاسی) مشخص کرده است (حاتمی نژاد، ۱۳۹۳، ۶۰).

نظریه ها و مطالعات مرتبط با کیفیت زندگی و حس تعلق تفاوت قابل توجهی بین زنان و مردان قائل نشده و بسترهای اجتماعی و کالبدی جامعه را برای زندگی مطلوب به یکسان دیده اند. اما در مجموع درباره کیفیت و رضایت مندی زنان از بسترهای اجتماعی و کالبدی در محلات و شهرها بر این نظرند که میزان توانمندی و آگاهی آنان تأثیرات قابل توجهی دارد. نتایج بررسی ها و تجربه های به دست آمده در بسترهای اجتماعی محلات و شهرها برای بهبود کیفیت زندگی و به زیستی زنان نشان می دهد که حمایت های خانواده از یک سو پیش برنده بعد ذهنی کیفیت زندگی زنان تلقی می شود و از سوی دیگر پشتیبانی نهادها برای افزایش کیفیت محیط زندگی باعث سرزندگی و پویایی اجتماع محلی می شود و در نتیجه به پایداری اجتماعی می انجامد.

## ۲- روش مطالعه

به عنوان یک مطالعه کاربردی، برای جمع آوری اطلاعات به صورت پیمایش و با استفاده از داده های مرکز آمار ایران، طرح های فرادست، موضعی محله و بانک اطلاعات دفتر خدمات نوسازی محله هرنندی اقدام شده است. شاخص های حس تعلق به محیط و کیفیت محل زندگی زنان ابعاد گسترده ای را شامل می شوند که با توجه به مطالعات آثار و شناخت از وضعیت محله هرنندی، به صورت استدلالی و استنتاجی از بسترهای تعلق محله<sup>۲</sup> تدوین شده است:

- **شاخص های حس تعلق:** محل تولد/مدت اقامت/خاطرات در محل زندگی/فضاهای عمومی/نزدیکی به اقوام و دوستان.
- **شاخص های کیفیت محیط:** عناصر طبیعی دید و منظر/دسترسی به خدمات/محیط مسکونی/مجاورت با کاربری های خاص/خوانایی فضا/امنیت محله.

## ۳- محله هرنندی: تاریخچه و سیر و تحول شکل گیری آن

محله هرنندی در جنوب مرکزی منطقه ۱۲، در ضلع شرقی ناحیه ۴ منطقه ۱۲ شهرداری تهران، و در جنوب شهر تهران قرار گرفته است. این محله از شمال به خیابان مولوی، از جنوب به خیابان شوش، از شرق به خیابان ری و از غرب به خیابان خیام منتهی شده است. منطقه دربرگیرنده هسته تاریخی شهر تهران است که در دوره صفویه قریه ای محصور بود و در دوره قاجاریه دارالخلافه شد؛ شهری دویست ساله که تا اوایل قرن هجری حاضر گسترش آرام و طبیعی داشت، در چهل سال اول قرن حاضر رشدی تدریجی یافت و در چهل سال اخیر رشد آن شتابی بی سابقه گرفت. نقشه محله در سال ۱۳۲۳ نشان می دهد که این محله جزئی از ناحیه چاله میدان بوده است. محله هرنندی که با نام اصلی دروازه غار شناخته می شود قدمتی قاجاری دارد و شکل گیری آن در روند تغییرات و جابه جایی های حصار تهران و دروازه های آن میسر شده است. ماهیت حاشیه ای و کیفیت خاک رس منطقه باعث شده بود که طی

۲- منظور از بسترهای تعلق، همان حس مزوج شده حیات اجتماعی در بافت کالبدی محلات و شهرهاست.

### تصویر ۱. محله هرندی، سال ۱۳۲۳



منبع: باوند، ۱۳۸۵

### ۳-۱- ویژگی‌های کالبدی محله هرندی

بافت شهری در محله هرندی بافتی پیچیده و کلافی است که در آن معابر به‌صورت کوچه‌های پرپیچ‌وخم و تنگ ارتباط میان واحدهای مسکونی و معابر اصلی را ممکن می‌کنند. فشردگی، شلوغی و بی‌نظمی بافت باعث نفوذناپذیری و عدم دسترسی مناسب شهری به درون آن شده است. در محله هرندی همچنین می‌توان به‌وضوح شاهد عدم تناسب کاربری‌ها بود. فضاهای تجاری مدرن، با برخورداری از معابری با طرح‌های هندسی مشخص، در کنار واحدهای مسکونی فرسوده مستقر در مرکز محله قرار گرفته‌اند. ساختار معماری محله از خانه‌هایی با حیاط مرکزی تشکیل شده است که در آنها گرداگرد یک حیاط اتاق‌هایی با دسترسی‌ها و ورودی‌های مستقل قرار گرفته‌اند. گاه در یک یا چند اتاق با تعبیه پستوهای کوچکی امکان پخت‌وپز مستقل ساکنان اتاق نیز فراهم شده است. مجموعه بافت مسکونی واقع در مرکز محله هرندی فرسودگی زیادی دارد، اما به‌علت نبود مطالعه دقیق واحدهای مسکونی نمی‌توان با قاطعیت و به‌طور دقیق میزان فرسودگی آن را مشخص کرد. در میان این بافت فرسوده خانه‌هایی وجود دارند که میزان فرسودگی آنها فقط ۲۰ درصد تخمین زده می‌شود، اما در همان حال خانه‌هایی نیز هستند که به‌جرت می‌توان میزان فرسودگی آنها را ۶۰ تا ۷۰ درصد اعلام کرد. همچنین همجواری محله هرندی با بازار و خیابان مولوی زمینه‌ساز وجود وسایل نقلیه در کوچه‌پس‌کوچه‌های محله شده است. به‌دلیل سکونت بسیاری از کارگران بازار در محله هرندی و محلات همجوار، وسیله غالب برای ایاب‌وذهاب و حتی

سال‌ها در کنار کوره‌های آجرپزی گودال‌هایی شکل بگیرند که انبوه مهاجران فقیر و درماندگان اجتماعی را در خود جا دهند. در این گودها خانه‌هایی بودند که در مقایسه با خانه‌های ساخته‌شده در سطح قیمت و ارزش کمتری داشتند. از این رو، کسانی که توانایی مالی کمتری داشتند در گودها زندگی می‌کردند. محله هرندی ۱۳ گود داشت که در میانشان گود عرب‌ها، گود ترقی، گود حاج‌ماشاءالله و گود ندایی از وسعت و جمعیت بیشتری برخوردار بودند. همزمان با تغییرات جمعیتی، تغییراتی در ساختار اقتصادی محله نیز رخ داد و معیشت مبتنی بر کار کارگری جای خود را به تأمین معاش از طریق تولید در کارگاه‌ها یا بنگاه‌های کوچکی داد که بزرگ‌ترین آنها به تولید صابون اختصاص داشت. برای ارائه خدمات به این کارگاه‌ها مجموعه‌ای از کسبه و پیشه‌وران خرد شکل گرفتند که گاه به‌مثابه اتصالات پسینی یا پیشینی کارگاه‌ها، بنگاه‌های این محله یا محلات مجاور نیز نقش بازی می‌کردند. از جمله شاخص‌ترین این بنگاه‌ها می‌توان به میدان میوه و تره‌بار اشاره کرد که جمعیت بزرگی از بنکداران و مباحران و کارگران را حول خود سازمان داده بود. این بنگاه‌ها کم‌کم بازار کوچکی از ارزاق و میوه را تشکیل دادند که به‌عنوان مکمل بازار بزرگ تهران در صحنه اقتصادی شهر تهران نقش بازی می‌کرد (باوند، ۱۳۸۵: ۱۰).

محله هرندی (دروازه‌غار)، با توجه به تاریخچه‌ای که از آن یاد شد، کماکان نقش خود را هرچند کم‌رنگ با توجه به تحولات دهه‌های گذشته حفظ کرده است. این محله و محیط بلافاصل آن مدت‌هاست که تاب خود را در ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی و فرهنگی از دست داده است.



می‌شود و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزا به‌عنوان مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌کند (مطلبی، ۱۳۸۵). دروازه‌غار، در نزدیکی بازار تهران، جایی بوده که در سدهٔ اخیر تحولات زیادی به خود دیده و محل زندگی بازاریان و حاجی‌بازاری‌ها با کوچه‌های سرشار از همدلی بوده است. مطلوبیت محیطی در کالبد سنتی محله، اشخاص و خاطرات به‌جامانده کاملاً مشهود است، مانند کوچه‌های تنگ و باریک، باغ‌انگور، کاروانسرای خانات، سر قبر آقا و بازار امین‌السلطان. برخی از ویژگی‌های کالبدی و کارکردی محلهٔ هرنندی با نگاه و تکیه بر تعلقات محیطی انتخاب و ارائه شده‌اند:

جابه‌جایی بار موتورسیکلت است. یکی از دلایل استفاده از موتورسیکلت کوچه‌های تنگ و باریک در محلاتی همچون هرنندی است که سایر وسایل نقلیه قادر به ورود به بسیاری از کوچه‌های این محلات نیستند و محل پارک خودرو نیز بسیار محدود است.

### ۳-۱-۱- برخی ویژگی‌های تعلق بافت کالبدی محلهٔ هرنندی

عوامل محیطی و کالبدی در روان‌شناسی محیطی به دسته‌بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می‌پردازند. فعالیت‌های حاکم بر یک محیط بر اساس عوامل اجتماعی، کنش‌ها و تعاملات عمومی انسان‌ها تعریف

	<p><b>کاروانسرای خانات:</b> یکی از معروف‌ترین دروازه‌های قدیمی مربوط به تهران که بیرون از شهر بود و با وسعت گرفتن تهران اینک در بخش جنوبی شهر قرار دارد. کاروانسرای خانات است که هنوز مورد توجه قرار دارد و کاربری تجاری آن فعال است. این کاروانسرا با مساحت ۱۰ هزار مترمربع و با الهام از باغ ایرانی ساخته شده است و ۵۲ حجره دارد که رنگ و بوی روزگاران گذشته را حفظ کرده است.</p>
	<p><b>بازار و میدان امین‌السلطان:</b> از تأسیسات ابراهیم‌خان امین‌السلطان، پدر میرزا علی اصغرخان اتابک اعظم، بود که نزدیک دروازهٔ قدیم حضرت عبدالعظیم بنا شد. این میدان بزرگ مخصوص بارانداز بارهای علفی و میوه و سبزی و صیفی بود. آن سال‌ها که هنوز خبری از کامیونت و وانت نبود همهٔ بارهای انتقالی از اطراف تهران، قم، اصفهان، کاشان و یزد با شتر به میدان امین‌السلطان آورده می‌شد. برای اخذ عوارضی که اصطلاحاً درباغی می‌گفتند میدان امین‌السلطان در سال ۱۳۳۵ شمسی به باغ جنت، واقع بین خیابان ری و خیابان صاحب‌جمع منتقل شد.</p>
	<p><b>بقعهٔ سر قبر آقا:</b> این بقعه در داخل بافت قدیمی تهران، در ضلع جنوبی چهارراه مولوی، انتهای خیابان شهید مصطفی خمینی (سیروس سابق)، در میان باغی بزرگ و قدیمی قرار دارد. محوطهٔ بقعهٔ سر قبر آقا مدفن سیدابوالقاسم، امام جمعهٔ تهران در عهد محمدشاه و اوایل ناصرالدین‌شاه، و آرامگاه خانوادگی خاندان اوست. در دورهٔ پهلوی، با توجه به روند شهرسازی و توسعهٔ شهر تهران، بسیاری از بخش‌های اطراف گورستان تخریب و در زمین‌های آن برای تفریح اهالی باغ عمومی ساخته شد. بقعهٔ سر قبر آقا نیز در میان این باغ قرار گرفت و مجموعه و بقعه را «باغ فردوس» نامیدند.</p>
	<p><b>زورخانهٔ سجاده:</b> در میدان هرنندی زورخانه‌ای به نام زورخانهٔ بهرام بوده است. بعد از فوت صاحب آن، زورخانه تعطیل شد و الان به‌صورت مخروبه است. جای جدید اینجا هم سال ۶۰ افتتاح شده و محل اجتماع علاقه‌مندان به ورزش‌های باستانی ایران است. تعلقات و روحیهٔ خاص و علاقه‌مندی به ورزش‌های قدیمی در وجود ساکنان محله و کسانی که از محله رفته‌اند و برای ورزش به محله مراجعه می‌کنند، قابل مشاهده است.</p>
	<p><b>منزل رجبعلی خیاط:</b> عبد صالح خدا، رجبعلی نکوگویان، مشهور به «جناب شیخ» و «شیخ رجبعلی خیاط» در سال ۱۲۶۲ ه.ش. در شهر تهران دیده به جهان گشود. مردم محدودهٔ هرنندی و فراتر از آن ارادت ویژه‌ای به کرامات شیخ رجبعلی خیاط در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ داشتند.</p>

### ۳-۲- ویژگی‌های جمعیتی محله هرندی

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، جمعیت محله برابر با ۲۲۷۲۰ نفر بود که از این تعداد ۱۱۹۳۰ نفر مرد و ۱۰۷۹۰ نفر زن هستند. در این محله ۶۶۲۵ خانوار ساکن بودند. مساحت این محله برابر با ۱۷۲ هکتار است. بنابراین تراکم این محله برابر با ۱۳۲ نفر در هر هکتار و تراکم نسبی آن برابر با ۱۳۲۰۹ نفر در هر کیلومترمربع است (بانک اطلاعات دفتر خدمات نوسازی محله هرندی، ۱۳۹۳).

ساکنان بافت‌های فرسوده شهر را عموماً مهاجران روستایی و اقشار کم‌درآمد شهری تشکیل می‌دهند. در این میان محلاتی که جمعیت ساکن آنها خاستگاهی غیر از این محلات دارند، به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی مبدأ آنان با محل اقامت فعلی، بسیار اهمیت دارد. در محله هرندی، ۵۳/۹ درصد از کل ساکنان متولد شهر تهران، ۳۰ درصد متولد شهرهای دیگر، ۳ درصد روستایی و ۱۱ درصد از خارج از کشور هستند. اکثر ساکنان این محله متولد شهر تهران و جزء قشر کم‌درآمد و فاقد مهارت‌اند. یکی از شاخص‌های بسیار مهم بافت‌های فرسوده و محلات فقیرنشین شهر تهران در چند دهه گذشته مهاجرپذیری آنهاست. بیشتر جمعیت این محلات مهاجرانی هستند که بر اثر نیروی دافعه زادگاهشان چون فقر و بیکاری از آنجا رانده شده‌اند و به علت بی‌سوادی و فقدان مهارت شرایط جذب در اقتصاد رسمی شهر را نداشته و در بخش غیررسمی آن به فعالیت پرداخته‌اند. به همین علت، جذب بدنه اصلی شهر نشده و به دلیل ارزانی هزینه‌های زندگی در این محلات به این‌گونه سکونتگاه‌ها رانده شده‌اند.

### ۳-۳- مسائل اجتماعی و فرهنگی محله هرندی

در محله هرندی مجموعه متنوعی از مشکلات، مسائل اجتماعی، معضلات اقتصادی-اجتماعی، تعارض‌ها و مناقشات اجتماعی-فرهنگی وجود دارد. در این محله می‌توان طیف گسترده‌ای از آسیب، نابهنجاری و جرم را مشاهده کرد که به‌طور مستمر به یکدیگر تبدیل می‌شوند. اما اگر از منظر نظم اجتماعی به محله هرندی

نگریسته شود، در میان مسائل محله سه معضل اجتماعی آسیب و جرم متراکم‌شده، فقر غلظت‌یافته و گسست انتشاریافته مهم‌ترین معضلات هستند (حسین‌زاده، ۱۳۹۱):

- آسیب و جرم متراکم‌شده
- شبکه اوباش در میانه آسیب و جرم
- غربتی‌ها، حاملان آسیب و جرم
- تعامل آسیب و جرم
- فقر غلظت‌یافته
- فقر مالی
- بی‌سوادی
- فقر تغذیه و فقر در سلامت جسمی
- فقر فرهنگی
- گسست انتشاریافته<sup>۱</sup>

### ۴- یافته‌های مطالعه

#### ۴-۱- بررسی حس تعلق در محله هرندی

شناخت ساختار اجتماعی، کالبدی و اقتصادی محله برای هر گونه برنامه توسعه محله‌ای از جمله توسعه فرهنگی-اجتماعی محله‌ای اهمیت دارد. بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده، برخی از ویژگی‌های پاسخگویان به شرح زیر است:

- جنس: از جامعه آماری این مطالعه، تعداد ۱۵۸ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند که ۶۰ درصد آنها را مردان و ۴۰ درصد آنها را زنان تشکیل می‌دادند.
- سن: پرسش‌های تحقیق به صورت متناسب بین همه سنین ۱۸ تا ۶۳ سال توزیع شد و برتری خاصی از نظر سن پاسخگو وجود نداشت.
- قومیت: با توجه به داده‌های گردآوری‌شده در میان پاسخگویان، بیشترین تعداد قومیت را فارس با ۵۵ درصد و ترک‌زبان با ۳۱ درصد تشکیل می‌دادند. همچنین ۸ درصد از پاسخگویان اتباع افغانه بودند.
- تحصیلات: سطح تحصیلات ۲۰ درصد از پاسخگویان دیپلم، ۱۸ درصد ابتدایی، و ۱۷ درصد لیسانس و بالاتر بود.

۱- به نقل از حسین‌زاده (۱۳۹۱): در میان ساکنان محله هرندی به‌ندرت می‌توان انسجام مدنی و همسایگی مشاهده کرد، مگر زمانی که افراد از یک طایفه باشند و از وابستگی خونی و تباری برخوردار باشند. گذشته از آنکه در محله بین ساکنان فاصله اجتماعی وجود دارد، محله به دلیل نبود اعتماد نیز در معرض گسست‌های متعدد اجتماعی قرار دارد. این گسست‌های اجتماعی به شکل‌های تعارض‌های اجتماعی و سازمانی قابل مشاهده‌اند.

■ مدت اقامت: بیشترین تعداد پاسخگویان در بازه ۳ تا ۶ سال در محل اقامت داشته‌اند و کمتر از ۵ درصد بالای ۳۰ سال در این محله ساکن بوده‌اند. این سهم کم نشان‌دهنده ناپایداری اجتماعی در محله است.

■ حس تعلق به محیط زندگی در محله: احساس تعلق باعث پایداری جمعیت و نتیجه آن سکونت پایدار است که مانع از خروج نیروی انسانی و به تبع آن سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی یک جامعه خواهد شد. وجود سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی در محلات فرودست شهری از جمله عواملی است که می‌تواند به بهبود وضعیت این محلات کمک کند. برعکس، نداشتن تعلق خاطر موجب بی‌تفاوتی مدنی ساکنان به محل زندگی و عدم مشارکتشان در امور عمومی و شهروندی جامعه می‌شود.

سایه سنگین مهاجرپذیری و معضلات اجتماعی بر سر این محدوده موجب عدم تعلق خاطر ساکنان به این محدوده و گریزان بودن آنها از این منطقه شده که نتایج این پدیده ناپایداری اجتماعی در محله است. اطلاعات به‌دست‌آمده (جدول ۴) این وضعیت را نشان می‌دهد، به‌طوری که اکثر پاسخگویان این محدوده (۷۶ درصد) هیچ‌گونه احساس تعلق به محله ندارند. در این میان، بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۱ درصد) اظهار کرده‌اند که از سر اجبار در این محله مانده‌اند و در هر صورت از اینجا می‌روند. ۱۹/۶ درصد نیز گفته‌اند در صورت فراهم شدن شرایط بهتر از این محله می‌روند. ۴/۴ درصد نیز بی‌تفاوت بوده و گفته‌اند که فرقی نمی‌کند در کدام محله زندگی کنند. فقط ۲۴ درصد اتاق‌نشینان به محله احساس تعلق کرده‌اند.

بدین ترتیب، سایه گریز از محله به دلایل متعدد در آن وجود دارد و می‌توان گفت که طی ۴ دهه اخیر روند کاهش حس تعلق نسبت به محله آغاز شده است. در نتیجه، فقط ۹ درصد از ساکنان فعلی جامعه آماری به‌صورت واقعی و به‌سبب حس تعلق حاضر به ترک محله نیستند. اغلب ساکنان با توجه به وضعیت معیشتی و اقتصادی خود این محله را برای زندگی و فعالیت انتخاب کرده‌اند، زیرا اجاره‌های مسکن در این محله نسبت به سایر محلات تهران کمتر است و زمینه حضور اقشار کم‌درآمد را در این محله ایجاد می‌کند. برخی از این اقشار ناهنجاری‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی دارند که این مسئله موجب شده است زندگی در محله هزندی با آسیب‌های بسیاری همراه باشد.

#### ۲-۴- عوامل کاهنده حس تعلق به محله هزندی

نتایج مشاهده‌های میدانی و مصاحبه‌های صورت‌گرفته با شهروندان نشان از آن دارد که پایین بودن میزان حس تعلق مکانی در محله هزندی از عوامل زیر متأثر است. **زندگی خیابانی و حضور معتادان و فروشندگان مواد مخدر در محله هزندی:** در زندگی خیابانی، فرهنگ اجتماع فقط مجموعه‌ای انباشته از آداب و رسوم و شیوه‌های مختلف زندگی نیست، بلکه نظامی سازمان‌یافته از رفتارهاست. زندگی خیابانی شکلی از حیات اجتماعی در کلان‌شهر تهران است که در آن افراد به دلایل مختلف نمی‌توانند مسکنی برای خود تهیه کنند و به همین دلیل زندگی خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند. اگر بتوانید مسکن را از زندگی خود حذف کنید،

جدول ۴. احساس تعلق خاطر به محله هزندی

گویه	فراوانی	درصد
این محله را دوست دارم و هیچ‌گاه حاضر به ترک آن نیستم	۱۴	۸/۹
ترجیح می‌دهم در این محله بمانم	۲۴	۱۵/۲
فرقی نمی‌کند که آدم در چه محله‌ای زندگی کند	۷	۴/۴
در صورت فراهم شدن شرایط سکونت به محله بهتری می‌روم	۳۱	۱۹/۶
از سر اجبار در این محله هستم و در هر صورت از اینجا می‌روم	۸۲	۵۱/۹
جمع	۱۵۸	۱۰۰

منبع: نگارنده

شاید بهتر بتوانید این شیوه از زندگی را متصور شوید. از این زاویه، گوشه‌ها و کنج‌ها و سوچ‌ها، در زندگی خیابانی زنان و مردانی که در محله هرندی هستند، بسیار معنادار می‌شود. به همین دلیل است که در این محله، به جای آنکه پارک‌ها به غنای فراغتی مردم کمک کنند و سرمایه اجتماعی آنان را افزایش دهند، به محل زندگی افراد خیابانی تبدیل شده‌اند. زندگی خیابانی سبکی از زندگی است که گرایش به ناهنجاری‌هایی همچون مصرف موادمخدر در آن قابل مشاهده است.

**حضور زنان در زندگی خیابانی:** از بارزترین ویژگی‌های زندگی خیابانی در محله هرندی، حضور زنان پایه‌پای مردان است. به‌واقع، مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از افراد خیابانی در محله هرندی را زنان و دختران جوان تشکیل می‌دهند. دختران فراری، زنان تنها و سرپرست خانوار، بی‌خانمان‌ها و مهاجرانی که تمام کسان خود را از دست داده‌اند جزو همین افراد خیابانی هستند. غالباً زنان خیابانی در کنار چند مرد و در سوچ‌ها و عمدتاً در مراکز پارک‌ها ساکن هستند. این موضوع در پارک خواجه کاملاً مشهود است. این اطلاعات متعلق به دوره قبل از حصارکشی پارک خواجه و بارگذاری مرکز فرهنگی در محله هرندی است.

**پارک‌ها به‌متنابه مهم‌ترین فضای بی‌دفاع شهری:** بی‌توجهی به ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه و تکیه صرف بر رویکرد مهندسی و مدرنیستی باعث شکل‌گیری نابه‌هنجارترین فضای شهری در کلان‌شهر تهران شده است. به‌واقع، از نظر این رویکرد و عاملان آن، با صرف ساخت فضای سبز و افزایش سرانه آن در منطقه می‌توان با مسائلی مانند اعتیاد و نیز فضاهای جرم‌خیز و بی‌دفاع شهری مقابله کرد. اما نتیجه در این مورد کاملاً معکوس بوده است. تأمین مکانی امن و مناسب برای حضور معتادان، ایجاد گوشه‌ها و سوچ‌ها و به‌طور کلی بی‌دفاع کردن فضای شهری از طریق پارک‌ها و فضاهای سبز بزرگ‌ترین دستاورد این نوع نگاه به حیات شهری بوده است که در این محله دیده می‌شود.

**مرگ و خودکشی:** مرگ و مواجهه با مرگ در دنیای

مدرن امروز به امری عجیب و استثنایی تبدیل شده است. به‌طور کلی، انسان‌های امروزی در بیمارستان‌ها و دور از انظار عمومی جان می‌دهند. اما در دروازه‌غار مرگ و میر افراد بسیار مشهودتر از سایر نقاط شهر تهران است. **کودکان خیابانی، بی‌سرپرست و بدسرپرست:** خیابان‌ها و حیات خیابانی فقط به مردان و زنان اختصاص ندارد، بلکه تعداد قابل توجهی از کودکان این محله هم نوعی زندگی خیابانی دارند. به‌واقع، این کودکان بیشتر عضو خانواده‌های ازهم‌پاشیده هستند که پدر یا مادرشان یا هر دو آنها به اعتیاد روی آورده‌اند. این کودکان عمدتاً در اطراف مجتمع پرسه می‌زنند و گاه برای بازی به مجتمع می‌آیند. بسیاری از آنها حتی کفش و لباس هم ندارند و در وضعیت بسیار دردناکی زندگی می‌کنند. متأسفانه این کودکان کاملاً در کلان‌شهر بزرگ تهران رها شده‌اند و نهاد خاصی هم مسئولیت آنها را به عهده ندارد. برخی از آنان هم اعتیاد پیدا کرده‌اند.

**چندهمسری (زنانه و مردانه):** شاید تعجب‌آور باشد که در میان این همه آسیب و فساد و زوال حیات شهری، از نوعی زندگی خانواری یا حتی ازدواج‌های غیررسمی در میان بزه‌کاران در این محله سخن گفته شود. اما واقعیت این است که در این منطقه و به‌ویژه در محدوده محله هرندی با نوعی زندگی اشتراکی شبه‌خانوادگی مواجه هستیم. نمونه‌هایی از این خانه‌ها و زندگی اشتراکی چندین زن و مرد در زیر یک سقف و در خانه‌ای که فقط یک هال و یک آشپزخانه دارد به‌خوبی گویای این سبک از زندگی است.

**فحشا:** هر چند نمونه زندگی چندهمسری در بالا را می‌توان نوعی از فحشا تلقی کرد، اما فحشا به شکل عمومی آن نیز از رایج‌ترین آسیب‌های محدوده است. این شکل از فحشا هم اشکال مختلفی دارد؛ از فحشا و تن‌فروشی برای به دست آوردن مواد گرفته تا فروش دختران و همسران معتاد به سایرین برای خرید و تهیه مواد و گاهی امرار معاش (حسین‌زاده، ۱۳۹۱).

## تصویر ۲. برخی قطعات مخروبه محله هرندی



منبع: بانک اطلاعات دفتر خدمات نوسازی محله هرندی، ۱۳۹۵

دریافت‌های زنان و مردان به تفکیک شاخص‌های کیفیت زندگی و حس تعلق به محیط نشان می‌دهد که آنچه از دیدگاه زنان باعث تقلیل حس تعلق در محله می‌شود شامل مواردی چون وضعیت محیط مسکونی، فضاهای عمومی، احساس نسبت به محیط زندگی، ناهنجاری‌های اجتماعی و امنیت است. با نگاهی عمیق

### ۳-۴- کیفیت محیط زندگی در محله هرندی

بررسی وضعیت تعلق محله‌ای ساکنان این محله، با توجه به نتایج پیمایش بر اساس شاخص‌های حس تعلق به محیط و کیفیت محل زندگی، به شرح جدول ۵ خلاصه شده است:

جدول ۵. شاخص‌های تعلق به محیط و کیفیت زندگی

مردان	زنان	شاخص
۶۳ درصد نارضایتی	۷۰ درصد عدم رضایت	محیط مسکونی: رضایت از واحد مسکونی
۷۰ درصد علائق	۵۰ درصد انطباق با علائق	انطباق رنگ و بافت مصالح با سلیقه ساکنان
۹۰ درصد انطباق با علائق	۷۳ درصد انطباق با علائق	خوانایی فضاها: محله و گذرها
۷۶ درصد نارضایتی	۸۰ درصد نارضایتی	فضاهای عمومی: دسترسی‌ها و مبلمان محله
۸۰ درصد عدم انطباق با علائق	۶۴ درصد عدم انطباق با علائق	عناصر طبیعی: سرزندگی و فضای سبز
۳۲ درصد خاطرات تعلق‌انگیز	۳۸ درصد خاطرات تعلق‌انگیز	خاطرات در محیط زندگی
۶۳ درصد نداشتن احساس خوب در محله	۶۰ درصد نداشتن احساس خوب در محله	احساس افراد به محیط زندگی
۴۰ درصد تمایل به استقرار	۷۰ درصد تمایل به استقرار	مجاورت با کاربری‌های خاص
۴۸ درصد احساس رضایت	۲۴ درصد احساس رضایت	محیط زیست (بو و صدا)
۸۷ درصد نارضایتی	۱۰۰ درصد نارضایتی	ناهنجاری‌های اجتماعی: حضور معتادان و فروشندگان موادمخدر
۷۸ درصد نارضایتی	۶۲ درصد نارضایتی	امنیت در محله: ساعات شبانه، سارقان و مزاحمان

منبع: تحقیق حاضر

به میزان اهمیت و رضایت‌مندی در مورد شاخص‌ها، این موضوع مهم مشخص می‌شود که بین زنان و مردان برداشت و رضایت از شرایط در بسیاری موارد تفاوت‌های چشمگیری دارد. با توجه به نارضایتی‌های بیشتر زنان از محیط مسکونی، فضاهای عمومی، و ناهنجارهای اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که قطعاً جابه‌جایی برخی از ساکنان اصلی محله هرندی با توجه به دیدگاه‌های زنان صورت گرفته است.

طبق آمار و اطلاعات به‌دست‌آمده، جمعیت متولدشده در محله در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ از این محدوده نقل مکان کرده‌اند که این جابه‌جایی‌ها نشان‌دهنده نقش زنان و مشارکت واقعی آنها در جابه‌جایی از محله است. نکته دیگر اینکه در وضع کنونی محله هرندی، با توجه به سکونت عبوری (مدت اقامت کوتاه)، غریب بودن مهاجران با ساکنان و پایین بودن منزلت زنان مهاجر واردشده به محله (که غالباً ناهنجاران اجتماعی تلقی می‌شوند) زنان و ساکنان اصلی و قدیمی محله رغبتی به ماندن در آن ندارند. در نتیجه، یا به‌اجبار در محله زندگی می‌کنند و یا به محض فراهم شدن فرصت برای جابه‌جایی از محله به سایر نقاط اقدام می‌کنند. نتایج حاصل از تکمیل پرسشنامه در مورد کیفیت محیط زندگی محله نشان‌دهنده وضعیت نامناسب آن از جنبه‌های مختلف است. کمبود سواد و تحصیلات در میان ساکنان به‌ویژه ساکنان قدیمی، کمبود شدید فضاهای فراغتی، کاهش صمیمیت مردم نسبت به گذشته، افزایش مهاجرت و جمعیت محله، گسترش قارچ‌گونه مهاجران، معضل وجود موش در محل، منظر کثیف و نمای نامناسب محل، آلودگی شدید صوتی در محله، وجود فروشندگان مواد مخدر در محل، افزایش ناامنی، کاهش تعلقات محله‌ای، و کاهش روحیه مذهبی به‌ویژه در میان ساکنان جدید محله از مهم‌ترین مشکلات مردم این محله است.

گرچه مردم در دیدگاهشان در زمینه نظافت کوچه‌ها، نور کافی در شب، پارک‌های محلی، دسترسی به درمانگاه، جمع‌آوری زباله و کاهش سرقت در محله وضعیت خوبی را نسبت به پنج سال گذشته (سال پایه ۱۳۹۲) اعلام

کرده‌اند یا درباره مواردی نظیر کف‌سازی پیاده‌راه‌ها، آسفالت سواره‌روها، دسترسی به سالن ورزشی، دسترسی به مدارس ابتدایی و نزع و درگیری در محله بر این نظرند که وضعیت نسبت به پنج سال گذشته تغییری نکرده است، اما تأکید دارند که در زمینه شاخص‌های حمایت از مردم، آلودگی صوتی و زیست‌محیطی و وجود معتادان و فروشندگان مواد مخدر وضعیت نسبت به پنج سال گذشته بدتر شده است.

به‌طور خلاصه، عمده‌ترین مسائل نگران‌کننده محله هرندی به ترتیب عبارت‌اند از حضور معتادان، نزع و درگیری در محله، ناهنجاری‌های اخلاقی، کمبود فضای سبز عاری از حضور معتادان، ناآگاهی و ضعف فرهنگ همسایگی، مسائل بهداشت محیط و همچنین نبود امنیت به‌خصوص در فضاهای رهاشده در محله. این موارد همگی باعث افت کیفیت زندگی و کاهش حس تعلق به محله شده‌اند.

## ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس داده‌های پژوهش و تجربیات محققان، در محله هرندی، حس تعلق در بین زنان و مردان در حد بسیار پایینی قرار دارد. این پیامد ناگوار از یک سو به‌دلیل دزدگی و اجتماع‌باختگی ساکنان قدیمی و جابه‌جایی از محله به سایر نقاط شهر و از سوی دیگر ورود مهاجران و افراد ناشناس به بافت اجتماعی محله برای اسکان و کسب‌وکارهای متنوع است. برخی از این افراد اسکان یافته در محله که با چندباختگی زندگی روبه‌رو بوده‌اند فضای ظاهری محله را دچار آسیب ذهنی و عینی کرده‌اند، به طوری که برای بسیاری از ساکنان محله مواجهه با صحنه‌های جرم با ترس و احساس ناامنی همراه است. این وضعیت به مرور زمان عادت‌های اجباری ناسازگار با روحیه انسان را ایجاد می‌کند.

صحنه‌های ناهنجار اخلاقی و اجتماعی در محله هرندی برای سایر شهروندان بسیار ترسناک جلوه می‌کند. این وضعیت به‌خصوص برای زنانی که به قصد خریدهای منطقه‌ای نظیر حضور در بازار پرده‌فروشان به محله هرندی می‌آیند بسیار غیرقابل تحمل است. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که محله هرندی در

نزدیکی بازار از دهه ۱۳۲۰ به بعد رشد یافته و بافت اجتماعی-کالبدی آن طی روزگاران همگرایی و مطلوبیت قابل قبولی داشته است. این محله جزء محله‌های فاخر و خاص نبوده، اما جریان زندگی در آن به شکل کنونی (که از سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۷ شاهد هستیم) نبوده است. این محله به مرور زمان به‌خصوص در سال‌های ۱۳۸۰ ساکنان اصلی خود را از دست داده و حضور افراد ناشناس، ناهنجار و تبهکار در محله رو به فزونی گذاشته است.

حس تعلق به محیط زندگی در محله هرندی در ابعاد اجتماعی و در جنبه‌های عینی و ذهنی آن با پیچیدگی‌های بسیاری روبه‌روست. این مسئله به دلیل عبوری شدن محله و از دست رفتن ساکنان اصلی آن است. برخی نهشته‌های حس تعلق به محله را نباید در درون محله جست‌وجو کرد. مثلاً ساکنان اصلی محله که از آن رخت برسته‌اند برخی اوقات، به فراخور احساس خود نسبت به محل تولد و زندگی قبلی‌شان، احساس تعلق خود را به شکل دیگری (حمایت‌های مالی از مردم و مشارکت در بهسازی محله) ابراز می‌دارند.

همچنین در مورد بحث کیفیت زندگی و بهزیستی زنان در محله هرندی باید گفت که کیفیت زندگی زنان در این محله در گونه‌بندی‌های مختلف مطرح است:

۱. زنانی که سالخورده‌اند و در طول روزگار با نامالایمات و خاطرات خوب و بد محله سازگار شده‌اند و رضایت‌مندی خود را نشان می‌دهند.
۲. زنانی که به دلایل مالی از سایر شهرها کوچ کرده و این محله را برای اسکان انتخاب کرده‌اند و به فعالیت‌های کسب‌وکار مشغول هستند و از شرایط فعلی خود رضایت نسبی دارند.
۳. زنانی که به‌صورت موقت به محله می‌آیند و موادمخدر مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند. این زنان بعد از آلودگی تدریجی به مواد، به اسکان در خیابان‌ها، کوچه‌ها و فضاهای رهاشده محله روی می‌آورند.
۴. زنانی که با خانواده‌شان در محله هستند و در فعالیت‌های مرد خانواده همکاری می‌کنند و هیچ

توجهی به کیفیت زندگی محله ندارند و این محله برایشان جایگاه کسب سود و سکوی پرتاب محسوب می‌شود.

در بافت اجتماعی محله هرندی کیفیت و سبک‌های زندگی متعدد و متفاوتی وجود دارد که چه‌بسا از نگاه متخصصان و شهروندان سایر نقاط شهر نامطلوب و برخلاف کرامت انسانی باشد. اما این سبک زندگی در بافت اجتماعی برخی نقاط محله هرندی پذیرفته و درونی شده است.

موقعیت و بافت اجتماعی و کالبدی محله هرندی در گذر زمان دچار تغییراتی در بستر اجتماعی خود شده است. این بافت در دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ وضعیت مطلوبی داشته و شهروندان ساکن آن به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وضع مناسبی داشته‌اند. اما با گذر زمان و تغییر نسل و افزایش منابع مالی برخی ساکنان اصلی این محله، آنان برای بهره‌مندی از کیفیت زندگی مورد انتظارشان به سایر نقاط شهر نقل مکان کردند. این جابه‌جایی و ناپایداری در بافت محله باعث شده است که تارهای اجتماعی و سرمایه‌های محلی دچار تزلزل شود. با کوچ ساکنان اصلی متولد محله، زمینه برای حضور اشخاص و خانواده‌های دیگر نقاط شهر، کشور و حتی کشورهای همسایه در محله هرندی ایجاد شده و بافت آن را دچار غریبه‌پذیری منفک از اجتماع شهر و حیات اجتماعی بدون سرمایه‌ای کرده است.

قطعاً با افزایش بیگانگی اشخاص محلی نسبت به هم محله دچار افت سرمایه و هویت اجتماعی می‌شود. بدین ترتیب، بستر و زمینه کالبدی و اجتماعی برای فعالیت‌های مختلف، به‌خصوص ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی، و اقتصاد غیررسمی و غیرقانونی ایجاد می‌شود. ماحصل فرایند زوال در محله هرندی، با کاهش ارزش املاک، از بین رفتن سرمایه اجتماعی شده است؛ سرمایه‌هایی که تجمع آنها در یک پهنه سرزمینی به عوامل مختلف هویتی و اجتماعی نیاز دارد که یکی از مهم‌ترین عناصر آن زمان (نسل‌ها) و مدت اقامت به‌عنوان یکی از عوامل مهم به‌وجودآورنده حس تعلق است. قطعاً با بی‌توجهی به ابعاد احساس تعلق، کیفیت زندگی، خدمات، نیازها و

سلايق، به‌مرور شاهد زوال مفهوم اصلی محله خواهیم شد و آنچه باقی خواهد ماند کالبد بدون سرمایه اجتماعی است. کالبد بدون سرمایه اجتماعی و فرهنگي بسيار متزلزل و شکننده است. زمانی که این شکنندگی با عوامل کاهنده روزمره کیفیت زندگی همراه شود، محیط زندگی نه تنها تعلق قابل قبول را حفظ نخواهد کرد، بلکه با گریز و عبور از این سرمایه تعلق و افزایش ناراضی‌تی زنان ساکن محله مواجه خواهد شد. کم‌اینکه نتیجه بررسی مسائل و مشکلات موجود از دیدگاه زنان و مردان و مقایسه آنها رضایت‌مندی مطلوبی را در اذهان ساکنان محله نشان نمی‌دهد. افزایش میزان ناراضی‌تی از کیفیت زندگی در محله نشان از این دارد که به‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته در این محله، عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی (محیط مسکونی، خدمات محلی و نمودهای کالبدی و اجتماعی) و حس تعلق، میزان جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی فرسودگی کالبدی و بحران‌های زیست‌محیطی در محله در وضع بسیار نامطلوبی قرار دارد.

بنابراین، باید در مورد کیفیت زندگی مطلوب در برخی بافت‌های اجتماعی و کالبدی محلات و شهرها بازاندیشی صورت گیرد. باید به گونه‌بندی‌ها در زمینه کیفیت عینی و ذهنی محیط زندگی، بافت اجتماعی و ویژگی‌های آن از دیدگاه تمام گروه‌های خاص از جمله زنان پرداخت و آن را در برنامه‌های اجرایی و عملیاتی گنجانند تا با استفاده از این الگوهای تعلق‌ی زنان، اقدامات مؤثر در بهبود کیفیت زندگی صورت گیرد. قطعاً با در نظر داشتن معیارهای ارائه‌شده در تحقیق حاضر، با افزایش سرزندگی، پویایی و آرامش در محیط‌های محلی و شهری روبه‌رو خواهیم شد. با بازنگرش به بُعد تعلق و کیفیت محیطی از دیدگاه زنان، نشانه‌های زندگی خوب در فضای محلات نمایان خواهد شد.

نقش زنان بدون شک تأثیرگذارترین عامل برای بهبود و ارتقای محیط زندگی است و مشارکت واقعی این گروه از جامعه برای همراهی همه نهادها و دستگاه‌های متولی ضروری است.

واحد همسایگی و محله همچون محیط زندگی خانواده‌ها،

از یک سو به‌دلیل حضور بیشتر زنان در محله و از سوی دیگر نگرش زنان، با دیدگاه‌های توسعه محله دوستدار زندگی همخوان‌تر است. پیشنهاد می‌شود برای عادی شدن وضعیت محله هرندي و ارتقای کیفیت محیطی، برخی ابعاد ضروری اساسی محله مورد توجه قرار گیرد:

- ارتقای امنیت اجتماعی در محله
- ساماندهی متکدیان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر و جلوگیری از حضور فروشندگان مواد مخدر
- توانمندسازی اجتماعی و فرهنگی مستمر از طریق برنامه‌ها و اقدامات سازمان‌های متولی، همچون شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران و سازمان اجتماعی کشور برای اثرگذاری در جهت ارتقای کیفیت زندگی
- انجام مطالعات و اقدامات مشارکتی ویژه در زمینه حس تعلق محلی و کیفیت زندگی زنان در پیوست برنامه‌ها.

#### منابع:

- بانک اطلاعات دفتر خدمات نوسازی محله هرندي. (۱۳۹۳).
- مهندسین مشاور نقش پندار.
- پارسا، رحمان. (۱۳۹۳). شناسایی شاخص‌های کیفیت زندگی شهری در کلان‌شهر تهران با هدف کاربست در مدیریت شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری. پردیس بین‌المللی دانشگاه تهران، واحد ارس.
- حاتمی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۳). ارزیابی کیفیت زندگی در منطقه شش تهران و ارائه پیشنهاد به‌منظور ارتقای آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.
- حسین‌زاده، فهیمه. (۱۳۹۱). ارزیابی اجتماعی تأثیرات اقدامات محله هرندي منطقه ۱۲. تهران: معاونت اجتماعی شهرداری تهران.
- خادمی، امیرحسین، و عیسی جوکارسرهنگی. (۱۳۹۱). «ارزیابی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر آمل)». جغرافیا و مطالعات محیطی ۱ (۴): ۱۱۷-۱۰۰.
- خائفه، سمانه. (۱۳۹۰). پیمایش و تحلیل کیفیت زندگی در قلمرو محیط کالبدی بافت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.
- رضوانی، محمدرضا، علیرضا شکیبا، و حسین منصوریان. (۱۳۸۷). «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی». رفاه اجتماعی ۸ (۳۱-۳۰): ۳۵-۶۰.
- سجادی، ژیللا، امین فرجی ملائی، و آزاده عظیمی. (۱۳۹۱). «تحلیل کیفیت زندگی در یک محیط روستا - شهری». دو فصلنامه مدیریت شهری ۱۰ (۳۰): ۲۸۴-۲۶۵.



- Res (2008) 88: 297–310.
- Lee. Y. (2008). "Subjective quality Quality of life Life measurement Measurement in Taipei". *Building and Environment*. Volume 43, Issue (7, ):July 2008, Pages 1205-1215.
  - Malkina-Pykh, Irina G Irina, and Pykh, Yuri A. Pykh. (2007).: "Quality of life Life indicators Indicators at different Different scalesScales: theoretical Theoretical backgroundBackground". In: *Ecological Indicators*, No. 228, 2007.
  - Sarracino, F. (2013). "Social capital Capital and subjective Subjective well-Well-beingtrends: Comparing 11 western Western European countriesCountries". *The Journal of Socio- Economics*, 39 (4): 482–517.
  - Van kampb, Irenevan. Leidelmeijer,kees Leidelmeijer. , and Marsmana, Gooitske Marsmana. (2003). "Urban environmental Environmental quality Quality and human Human wellWell-being towards Towards a conceptual Conceptual framework Framework and demarcation Demarcation of conceptsConcepts:". *a A Literature study Study Landscape and Urban Planning* 65 (2003) 5–18.
  - Wish, N.B. (1986). "Are we Really Measuring the Quality of Life? Well-being has Subjective Dimensions, as well as Objective Ones." *American Journal of Economics and Sociology* 45: 93-99.
  - سرمست، بهرام، و محمدمهدی متوسلی. (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (نمونه موردی: شهر تهران)». مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ۸ (۲۶): ۱۳۳-۱۴۶.
  - شاهوی، سیروان. (۱۳۹۳). *ارتقای کیفیت زندگی در مناطق فرسوده شهری: آموزه‌های پروژه لودا*. ویراستار: فریکا فاروقی. چ ۱ تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی سازمان عمران و بهسازی شهری ایران.
  - غفاری، غلامرضا، و رضا امیدی. (۱۳۸۸). *کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی*. تهران: شیرازه.
  - \_\_\_\_\_، علیرضا کریمی، و حمزه نوذری. (۱۳۹۱). «روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران* ۱ (۳): ۱۰۷-۱۳۴.
  - مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران ۱۳۸۵-۱۳۹۰*. تهران: مرکز آمار ایران.
  - مطلبی، قاسم. (۱۳۸۵). «بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری». *هنرهای زیبا* ۲۵: ۶۴-۵۵.
  - منتظرالحجه، مهدی، مجتبی شریف‌زاده، و سهیل دهقان. (۱۳۹۵). «ارزیابی و سنجش عوامل مؤثر بر ایجاد حس مکان در مراکز محله‌های شهری». *مطالعات شهر ایرانی اسلامی* ۷ (۲۶): ۵۴-۴۳.
  - مهندسین مشاور باوند. (۱۳۸۵). *طرح تفصیلی منطقه ۱۲ شهرداری تهران*.
  - Anant, S.S. (1966). "The need Need to belongBelong, ". *Cunoda's Mental Health*, 14: 21-21.
  - \_\_\_\_\_ . (1969). "A cross Cross cultural Cultural study Study of belongingnessBelongingness, anxiety Anxiety and self Self sufficiencySufficiency". *Acta Psychologica*, 31: 385-393.
  - Bradley, M.J. (2012). *Comparing place Place attachment Attachment and environmental Environmental ethics Ethics of visitors Visitors and stute Stute park Park employees Employees in Oklahoma*, . PhD Dissertation, . Oklahoma: Oklahoma State University.
  - Dajian zhu, and Peter, P. Rogers. (2010). "World Expo and Urban Life Quality in Shanghai in Terms of Sustainable Development, ". *Chinese Journal of Population Resources and Environment*, Volume 4, : 2006 - Issue 1.
  - Das, Daisy. (2008). "Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati, Springer Science+Business Media B.V". , *Soc Indic*

# Sense of Belonging to Living Environment and Women's Wellbeing

Ali Barakati  
Somayeh Farhadi

## Abstract

Although mega city of Tehran has been a leading city in research projects and implementation of different socio- cultural urban programs, it faces many inter-related problems in many areas, especially in its social fabrics. To cope with these problems, since 2007 urban regeneration programs have been in order for ten years. The main objective of urban planners in carrying out these programs is to move towards more desired social life in the region.

Review of regeneration programs shows; planners have neglected the sense of belonging to the living environment and its impact on quality of life. While it is an important factor, which enhances interests to the community and affects residents' quality of life.

The present paper aims at discussing factors affecting reduction of this sense in Harandi neighborhood known as Darvaze Ghar in the region 12 of Tehran. This area experiences many problems, including losing sense of belonging, which is considered a driving, force for social

development.

The research is conducted with quantitative and qualitative methods. First; criterion of sense of belonging to the living environment among women and men have been defined. Secondly, quality of life's patters in the period of 1390-1395 is described. Based on the findings, the most important factors in reducing sense of belonging among men and women of Harandi are: presence of social deviances, illegal economic activities, and negligence of responsible organizations to deliver improved services in the region. It is suggested that planners and urban managers should take into account women's role in planning and implementation of the programs. Also provision of security, accessibility of services in compliance with male and female residents' life styles, assessment of the needs and social- economic empowerment of the population should be included continuously in all programs.

## Key Words

District 12 of Tehran, Harandi Neighborhood, Sense of Belonging, Women Wellbeing